

 منعت معدن تجارت
منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه منعت معدن تجارت www.smtnews.ir/about.html
 صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «منعت»
 مدیرمسئول: عاطفه خسروی
 سازمان آگهی‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸ - ۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶ ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com تلفن: ۸۲۱۹۰(داخلی-۱۰۸) توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸ تهران، خیابان قائم مقام فر اهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کدپستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱ روابط عمومی: pr@smtnews.ir چاپخانه: صمیم
 www.smtnews.ir telegram.me/smtnews instagram.com/smtnewspaper tozi.smtnews@gmail.com info@smtnews.ir http://eitaa.com/smtnews https://ble.ir/smtnews
 عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی عضو انجمن مدیران رسانه عضو تعاونی مطبوعات

تعلل بانک‌ها در تأمین مالی پروژه‌های راهبردی، به‌ویژه در میادین مشترک نفت و گاز، صرفاً یک رفتار محافظه‌کارانه نیست، بلکه تصمیمی پنهان است که هزینه آن در قالب کاهش برداشت، افت درآمدهای ارزی و تعمیق ناترازی‌های کلان، به کل اقتصاد کشور تحمیل می‌شود؛ هزینه‌ای که در هیچ ترازنامه‌ای ثبت نمی‌شود. در نگاه متعارف، بانک نهادی است برای تجهیز و تخصیص منابع مالی با هدف کسب سود و کنترل ریسک. اما در اقتصادهایی مانند ایران، بانک‌ها فقط بنگاه مالی نیستند؛ بلکه یکی از بازیگران اصلی توسعه یا انسداد توسعه به شمار می‌روند. وقتی شبکه بانکی در برابر پروژه‌های بزرگ ملی دچار تعلل می‌شود، پیامد آن فقط متوجه سهامداران یا ترازنامه آن بانک نیست؛ بلکه اقتصاد ملی را در معرض یک زیان تجمعی و مزمن قرار می‌دهد.

هزینه فرصت در تصمیم‌سازی بانکی ایران جایگاهی رسمی ندارد. بانک‌ها سود و زیان مستقیم را محاسبه می‌کنند، اما زیان ملی ناشی از عدم اقدام در محاسبات آن‌ها دیده نمی‌شود. همین خلأ باعث می‌شود منطقی که در سطح خرد قابل دفاع به نظر می‌رسد، در سطح کلان به تصمیمی زیان‌بار تبدیل شود. میدان نفتی آزادگان، نمونه‌ای روشن از این منطق معیوب است. این میدان، نفتها از بزرگ‌ترین ذخایر نفتی کشور محسوب می‌شود، بلکه به‌دلیل مشترک بودن با عراق، اهمیتی دوچندان دارد. در حالی که عراق طی یک دهه گذشته با جذب شرکت‌های بین‌المللی، تأمین مالی مؤثر و تصمیم‌گیری سریع، تولید خود را به‌طور پیوسته

در اقتصادی که ساختار آن به‌شدت ارزمحور است، هر کاهش در صادرات نفت و گاز، مستقیماً بر بازار ارز اثر می‌گذارد. وقتی درآمد ارزی باقیوه محقق نمی‌شود، انتظارات تورمی تقویت می‌شود و فشار بر بازار غیررسمی ارز افزایش می‌یابد؛ موضوعی که سیاست‌گذار پولی بر بازار به مقابله پر هزینه با آن می‌شود. در چنین شرایطی، بانک مرکزی به آخرین خط دفاع تبدیل می‌شود. نهادی که باید با سیاست‌های ارزی و پولی، خلأ ناشی از عدم تحقق درآمدهای واقعی را جبران کند.

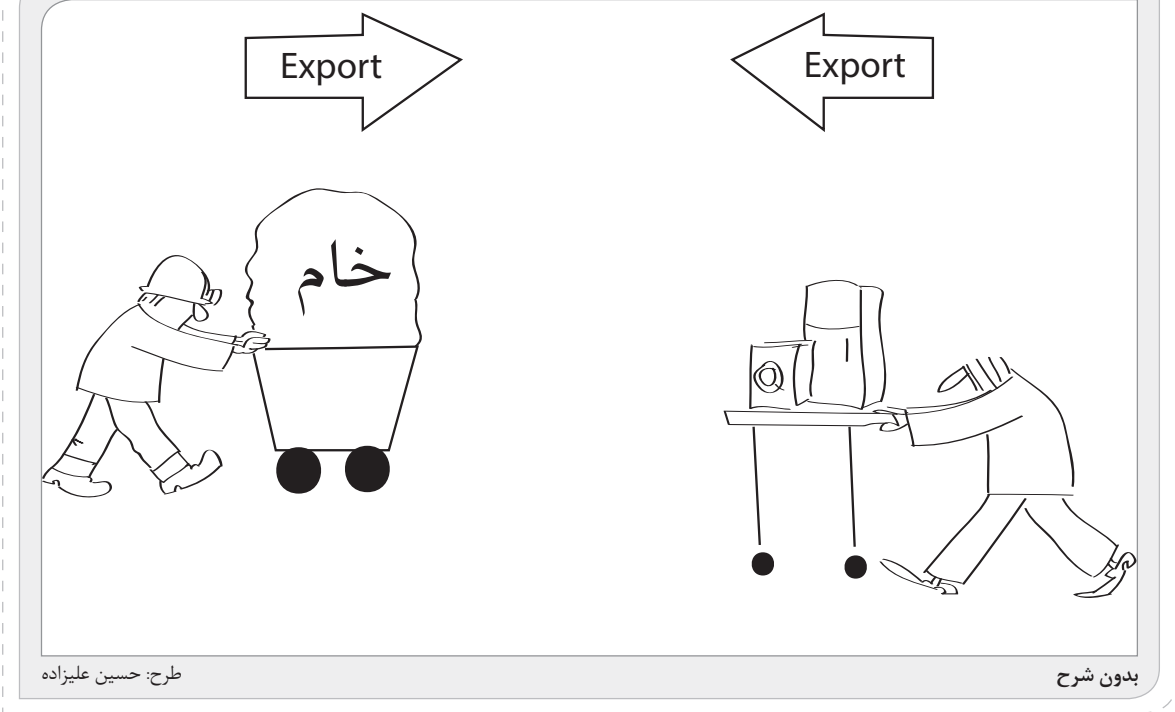
پروژه‌های انرژی، اگرچه بازده کوتاه‌مدت ندارند، اما در بلندمدت پایدارترین جریان‌های نقدی را ایجاد می‌کنند. بی‌توجهی بانک‌ها به این افق بلندمدت، باعث شده منابع به سمت فعالیت‌های زودبازده اما کم‌اثر برای اقتصاد ملی سوق پیدا کند.

در بسیاری از کشورهای صاحب منابع، بانک‌ها نه‌تنها از پروژه‌های بزرگ انرژی فرار نمی‌کنند، بلکه با طراحی ابزارهایی مانند: کنسرسیوم‌های بانکی، تأمین مالی پروژه‌ای، تضمین‌های دولتی هدفمند ریسک را مدیریت و نقش توسعه‌ای خود را ایفا می‌کنند. در ایران، بخش مهمی از بانک‌ها به‌تدریج از این نقش فاصله گرفته‌اند. آن‌ها به جای شریک توسعه، به بازیگری تبدیل شده‌اند که ترجیح می‌دهد نظاره‌گر باشد. نتیجه این روند، شکاف فزاینده میان بخش مالی و بخش واقعی اقتصاد است. آزادگان فقط یک پروژه نیست؛ آزمونی است برای سنجش مسئولیت‌پذیری نهادهای مالی در قبال ثروت ملی. تعلل در چنین پروژه‌ای، نشانه‌ای از بحران تصمیم‌گیری در سطح نهادهای است. زیان ناشی از تعلل بانکی فقط اقتصادی نیست. کاهش درآمدهای

« تحلیل روز

استاد اقتصاد با اشاره به تشدید تحریم‌ها و محدودیت دربازگشت ارز حاصل از فروش نفت گفت کاهش عرضه ارز و افت توان مداخله بانک مرکزی، نوسانات اخیر بازار ارز را تشدید کرده است. قدرت‌الله ماه‌وردی؛ استاد اقتصاد و تحلیلگر بازارهای مالی در گفت‌وگو با مهر، با اشاره به نقش فشارهای خارجی در نوسانات اخیر بازار ارز، معتقد است: اقدامات دولت آمریکا، تشدید تحریم‌ها، فعال‌سازی سازکار اسنپک و محدودیت‌های اعمال‌شده بر فروش نفت، به‌طور مستقیم بر توان عرضه ارز در اقتصاد ایران اثر گذاشته است؛ چراکه در این شرایط ارز کمتری هم به دست بانک مرکزی می‌رسد. وی ادامه داد: در ساختار کنونی اقتصاد ایران، دولت و بانک مرکزی عملاً مهم‌ترین و در بسیاری موارد تنها عرضه‌کننده ارز در بازار محسوب می‌شوند و این عرضه نیز تابعی از میزان فروش نفت و بازگشت منابع

کارتون روز



هزینه فرصت؛ حلقه مفقوده سیاست‌گذاری بانکی

افزایش داده، سمت ایرانی پروژه با وقفه‌های پی‌درپی مواجه بوده است. بسیاری از گزارش‌های رسمی، مشکلات آزادگان را به مسائل قراردادی یا فنی نسبت می‌دهند، اما در عمل، تأمین مالی پایدار و به‌موقع یکی از اصلی‌ترین گلوگاه‌ها بوده است. بانک‌ها یا وارد پروژه نشده‌اند، یا ورودشان محدود، دیر هنگام و مشروط به سازوکارهایی بوده که عملاً پروژه را از توجیه زمانی خارج کرده است. در چنین شرایطی، سوال کلیدی این است:

هزینه تعلل بانکی در پروژه‌هایی مانند آزادگان چقدر است و چه کسی آن را پرداخت می‌کند؟

اگر فرض کنیم تأخیر در توسعه آزادگان منجر به عدم برداشت

اثر دومینویی بر درآمدهای ارزی

به بیان دیگر، تعلل بانک‌های تجاری در تأمین مالی پروژه‌های مولد، هزینه سیاست‌گذاری بانک مرکزی را افزایش می‌دهد.

کسری منابع واقعی، بانک مرکزی را به سمت استفاده از ذخایر یا ابزارهای شبه‌انضباطی سوق می‌دهد. نتیجه این فرآیند، افزایش پایه پولی، تشدید تورم یا بی‌ثباتی بازارهاست؛ مسیری که بارها تجربه شده است.

وقتی از ناترازی بودجه، ناترازی ارزی یا ناترازی انرژی سخن گفته

بازدهی بلندمدت؛ حلقه مغفول

نفتی، به کاهش توان دولت در سرمایه‌گذاری اجتماعی، زیرساختی و رفاهی منجر می‌شود. در نهایت، این هزینه را مردم با تورم بالاتر و خدمات عمومی ضعیف‌تر پرداخت می‌کنند.

تا زمانی که هزینه فرصت در نظام تصمیم‌سازی رسمی محاسبه نشود، این چرخه ادامه خواهد داشت. باید مشخص شود که عدم ورود یک بانک به پروژه آزادگان، چه میزان زیان ملی ایجاد کرده است؛ حتی اگر آن زیان در ترازنامه بانک منعکس نشود. اقتصاد ایران نیازمند بازتعریف رابطه میان بانک و منافع ملی است. بانک‌ها نمی‌توانند صرفاً با استناد به سود کوتاه‌مدت، خود را از پروژه‌های راهبردی کنار بکشند، در حالی که هزینه آن به کل جامعه منتقل می‌شود.

نقش دولت و نهاد ناظر در این میان کلیدی است: ایجاد مشوق برای مشارکت بانکی در پروژه‌های ملی، توزیع ریسک از طریق صندوق‌ها و ضمانت‌نامه‌ها، الزام به محاسبه و افشای هزینه فرصت در تصمیمات کلان؛ اقتصادی که تصمیم‌های سخت را به تعویق می‌اندازد، به‌تدریج دچار فرسایش می‌شود. آزادگان فقط یکی از نمونه‌هاست؛ نمونه‌ای که

فشار تحریم‌ها ارز کمتری را به دست بانک مرکزی می‌رساند

ارزی به کشور است. اسام‌وردی تأکید کرد: ظاهراً فشارهای حداکثری ماه‌های اخیر و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های مالی و بانکی، موجب کاهش محسوس منابع ارزی شده و در نتیجه، توان مداخله و عرضه ارز در بازار کاهش یافته است.

بخش زیادی از نوسانات و افزایش نرخ ارز در ماه‌های اخیر، ریشه در همین کمبود عرضه دارد؛ کمبودی که مستقیماً به محدودیت‌های فروش نفت و انتقال درآمدهای آن بازمی‌گردد.

این‌اقتصاددان با اشاره به چالش‌هایی مانند کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای، بازنگشتن ارز صادراتی و واردات غیر ضروری گفت: این مسائل واقعی و مهم هستند که پدیده‌های جدیدی محسوب نمی‌شوند اما اثرات آن‌ها در بازار ارز تخلیه شده است.

Export

Export



طرح: حسین علیزاده

بدون شرح

توسعه آزادگان نیازمند همکاری بانک‌ها

توسعه آزادگان امروز در نقطه‌ای قرار دارد که سرنوشت آن تنها به تولید نفت گره نخورده؛ بلکه به اعتماد سرمایه‌گذاران، تصمیم بانک‌ها و موقعیت ایران در رقابت منطقه‌ای وابسته شده است. به گزارش مهر، میدان نفتی آزادگان در جغرافیای انرژی ایران، فقط یک میدان نفتی بزرگ نیست؛ بلکه به مرور زمان به یک «معیار سنجش» تبدیل شده است. معیاری برای سنجش توان تصمیم‌گیری، قدرت تأمین مالی، ثبات سیاست‌گذاری و اراده ملی برای پیشبرد پروژه‌های بزرگ. به همین دلیل است که هر نشانه‌ای از کندی، توقف یا شکست در این میدان، واکنشی فراتر از صنعت نفت برمی‌انگیزد، چراکه هزینه شکست آزادگان، محدود به کاهش تولید یا از دست رفتن بخشی از درآمدهای نفتی نیست؛ این شکست می‌تواند به یک پیام مخرب برای کل اقتصاد ایران تبدیل شود.

در شرایطی که کشور بیش از هر زمان دیگری به پروژه‌های پیشران رشد اقتصادی نیاز دارد، آزادگان یکی از معدود پروژه‌هایی است که ظرفیت ایفای چنین نقشی را دارد. اما همین انتظار بالا، ریسک شکست آن را نیز پرهزینه‌تر کرده است.

آزادگان؛ پروژه‌ای فراتر از مختصات فنی

میدان آزادگان از ابتدا با برچسب «مشترک» وارد ادبیات انرژی ایران شد. همین صفت کافی بود تا توسعه آن به موضوعی راهبردی تبدیل شود. در میادین مشترک، زمان حکم سرمایه را دارد و هر تأخیر به معنای انتقال منافع به طرف مقابل است. اما آزادگان علاوه بر این بُعد کلاسیک، یک نقش ثانویه نیز پیدا کرده است: نقش نمادین.

آزادگان نماد توان کشور در مدیریت پروژه‌های پیچیده بالادستی است؛ پروژه‌هایی که نیازمند سرمایه‌گذاری کلان، تأمین مالی پایدار، فناوری و هماهنگی نهادی هستند. اگر چنین پروژه‌ای با این سطح از اهمیت، به بن‌بست بخورد، این پیام در ذهن فعالان اقتصادی حک می‌شود که پروژه‌های بزرگ، حتی با اولویت ملی، ضمانت موفقیت ندارند.

نخستین و شاید فوری‌ترین پیامد عدم‌ورود بانک‌ها برای تأمین مالی میدان آزادگان، ضربه به اعتماد سرمایه‌گذاری داخلی است. در سال‌هایی که دسترسی به سرمایه خارجی محدود بوده، بار اصلی توسعه زیرساخت‌ها و پروژه‌های انرژی بر دوش منابع داخلی افتاده است. اما سرمایه داخلی، بیش از سرمایه خارجی به «روایت موفقیت» حساس است.

سرمایه‌گذار داخلی وقتی می‌بیند پروژه‌ای مانند آزادگان، با همه تأکیدات سیاسی، مشوق‌های رسمی و اهمیت راهبردی، در مسیر توسعه دچار وقفه‌های طولانی می‌شود، این ریسک را به سایر پروژه‌ها نیز تعمیم می‌دهد. نتیجه چنین برداشتی، نه ورود محتاطانه، بلکه عقب‌نشینی تدریجی از پروژه‌های بزرگ و حرکت سرمایه به سمت فعالیت‌های کم‌ریسک‌تر یا حتی غیرمولد است. در این معنا، کم‌کاری بانک‌ها به‌نوعی شکست «ذهنی» برای سرمایه‌گذاری مولد خواهد بود.

چرا بانک‌ها وارد آزادگان نشده‌اند؟

یکی از مهم‌ترین و کمتر گفته‌شده‌ترین ابعاد توسعه آزادگان، عدم‌مشارکت مؤثر شبکه بانکی در تأمین مالی این پروژه است. درحالی‌که در بسیاری از کشورها، پروژه‌های عظیم انرژی با کنسرسیوم‌های بانکی و ابزارهای متنوع مالی پیش می‌روند، آزادگان عملاً از حمایت جدی بانک‌ها محروم مانده است.

بانک‌ها، به‌طور سنتی، پروژه‌هایی را تأمین مالی می‌کنند که افق بازگشت سرمایه، ساختار حقوقی شفاف و ثبات تصمیم‌گیری داشته باشند. اما آزادگان طی سال‌ها با تغییر مدل‌ها، پیمانکاران و رویکردهای سیاستی مواجه بوده است. همین بی‌ثباتی، ریسک ادراک‌شده پروژه را برای نظام بانکی افزایش داده و بانک‌ها را به حاشیه رانده است.

نتیجه این وضعیت، انتقال بار تأمین مالی به منابع محدود شرکت ملی نفت یا سازوکارهای غیرپایدار بوده است؛ راه‌حلی که برای پروژه‌ای با مقیاس آزادگان، نه کافی بوده و نه پایدار.

تأمین مالی نشدن آزادگان توسط بانک‌ها، فقط یک مسئله درون‌پروژه‌ای نیست. این مسئله، یک اثر سرریز خطرناک دارد. وقتی بانک‌ها از ورود به چنین پروژه‌ای خودداری می‌کنند، عملاً به سایر پروژه‌های بزرگ نیز یک سیگنال واحد می‌دهند: پروژه‌های بالادستی انرژی، از منظر بانکی، پرریسک تلقی می‌شوند.

چنین سیگنالی، باعث می‌شود سایر میادین مشترک و پروژه‌های توسعه‌ای نیز با مشکل تأمین مالی مواجه شوند. این همان نقطه‌ای است که «قتل شدن پروژه‌ها» رخ می‌دهد: نه به‌دلیل نبود ذخایر یا توان فنی، بلکه به‌دلیل نبود منابع مالی و اعتماد نهادی.

تولید از میدان نفتی آزادگان اگر به هدف تعیین شده نرسد به الگوی منفی برای توسعه سایر میادین مشترک تبدیل خواهد شد. سیاست‌گذار، تحت فشار شکست، ناگزیر محافظه‌کارتر می‌شود. تصمیم‌ها به تعویق می‌افتد و تغییر مدل‌ها جای پیشروی را می‌گیرد. در این فضا، توسعه میادین مشترک عملاً کند یا متوقف می‌شود. در میادین مشترک، این توقف برابر است با واگذاری عملی منابع. طرف مقابل، بدون توقف، سرمایه‌گذاری می‌کند، برداشت را افزایش می‌دهد و سهم بیشتری از مخزن را تثبیت می‌کند. این فرآیند تدریجی است، اما بازگشت‌ناپذیر.

تقویت رقبای منطقه‌ای: برنده خاموش یک کم‌کاری

در سناریوی شکست تأمین مالی آزادگان، رقبای منطقه‌ای بدون دیاھسو برنده خواهند بود. این میدان، بخشی از رقابت بزرگ‌تر در بازار انرژی منطقه است. هر ضعف در توسعه، موقعیت ایران را در این رقابت تضعیف می‌کند. کشورهایی که توانسته‌اند با ثبات مالی و حمایت بانکی پروژه‌های خود را پیش ببرند، امروز در بازار انرژی نقش پررنگ‌تری دارند. اگر تأمین آزادگان شکست بخورد، سهم ایران از این بازار نه با تحریم، بلکه با تعلل داخلی کاهش خواهد یافت.

آزادگان سال‌هاست در افکار عمومی به‌عنوان یک پروژه مهم مطرح شده است. شکست یا توقف آن، به تضعیف روایت «توان ملی در اجرای پروژه‌های بزرگ» منجر خواهد شد. این آسیب، فراتر از وزارت نفت یا یک دولت خاص، متوجه کل نظام تصمیم‌گیری خواهد بود. اقتصاد، بیش از سرمایه و فناوری، به اعتماد و امید نیاز دارد. شکست آزادگان می‌تواند این دو مؤلفه را تضعیف کند.

با همه این تفصیلات، آزادگان هنوز به نقطه بدون بازگشت نرسیده است. اما عبور از این وضعیت، بدون حل مسئله تأمین مالی و بدون ورود جدی شبکه بانکی امکان‌پذیر نخواهد بود. آزادگان نیازمند بازتعریف به‌عنوان یک «پروژه ملی قابل تأمین مالی» است؛ پروژه‌ای که بانک‌ها بتوانند به آن اعتماد کنند. شکست آزادگان، هزینه‌ای فراتر از یک میدان نفتی خواهد داشت. اما موفقیت آن نیز می‌تواند نقطه عطفی برای بازگشت اعتماد به پروژه‌های بزرگ، فعال شدن منابع بانکی و احیای نقش ایران در میادین مشترک باشد. تصمیم با سیاست‌گذار است؛ تأخیر، خود پرهزینه‌ترین انتخاب است.